

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۱/۲۳

احسان لمر

شهید سید میرزا شاه فضیلت

محترم امان کبیری از مدت ها به این سو در معرفی نامه بزرگان وطن در فیس بوک مطالب ارزنده و نهایت دقیق می نویسد، که در ۲۲ نومبر ۲۰۱۹ شهید فضیلت را به معرفی گرفتند ضمناً جناب سید حسن رشاد در یکی از یادداشتها مطلبی در رابطه به شهادت استاد از زبان یک شاهد عینی نقل کردند که هر دو را با اظهار سپاس از ایشان به حضور پیش کش می کنم.

«سید میرزا شاه فضیلت فرزند میر سید شاه میری در سال ۱۳۱۸ هجری خورشیدی در قریه نه برجه ولسوالی خواجه عمری ولایت غزنی تولد گردیده و در دوران طفولیت به کابل آمده به گذر چنداول مسکن گزین گردیده است.



تحصیلات ابتدائیه و ثانوی خود را در لیسه نجات سپری نموده است. بعد از فراغت از صنف دوازدهم در سال ۱۳۴۰ خورشیدی شامل دانشکده ادبیات پوهنتون کابل گردیده و از رشته ادبیات زبان دری فارسی فارغ التحصیل گردیده است.

از آنجایی که استاد فضیلت تعهد مندی و احساس مسئولیت که در برابر دین و مکتب حیات بخش اسلام داشت دروس منطق و فلسفه را نزد مرحوم محمد اسماعیل مبلغ که از جمله شخصیت های مطرح علمی، فرهنگی و سیاسی کشور بود آموخته و همچنان مسائل فقهی را نزد مرحوم سید سرور واعظ و آقای شاه عبدالحمید آغا فرا گرفته است.

مرحوم فضیلت بنا بر مسئولیت که به آیین انسان سازی دینی داشت سخنرانی های خود را پیرامون دین، سیاست و اجتماع بنا بر عصر و زمان آغاز می نمود.

نام برده بعد از فراغت از دانشگاه کابل به حیث معلم ادبیات زبان فارسی دری در لیسه امانی و بعداً در لیسه محمود طرزی مدت دوازده سال تدریس نموده است. که شاگردان زیادی تحت تربیه و پرورش قرار داده و به جامعه تقدیم نموده است.

مرحوم فضیلت در طول دوران جوانی و تحصیل خود به مسائل سیاسی و اجتماعی روز علاقه داشت وی تاریخ ملت ها و نهضت اسلامی را مطالعه می نمود از سالهای اول دانشگاه فعالیت های ضد استعماری و استکباری خود را آغاز نموده بود.

شرایط اجتماعی و سیاسی فضیلت را به سیاست کشاند فقر، بیداد و استبداد بی حد و حصری بالای طبقات مظلوم و اقلیت های جامعه هر جوان آگاه را به فریاد می آورد تسلیم نشده به راه خود ادامه داد.

رژیم ها در ترس و لرز بودند که این صدا های آزادی خواهی مبدا دژخیمان حکمرانان مستبد را به لرزه در آورد چند بار فضیلت بزرگ راهی زندان گردید. اما این فشار ها هیچ گونه تزلزلی و تغیر در موضع گیری ایشان بوجود نیآورد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

مرحوم فضیلت در ایام عاشورا در حسینیه مرحوم میرزا فقیر حسین خان و مرحوم میر اکبر آغا با استاد شهید خود مرحوم بینش یک جا سخنرانی می نمودند و بر علاوه در شب های جمعه مجالسی خاصی در آنجا صورت می گرفت که ایشان با ایراد سخنان عالمانه خود مجلس را ختم می نمود. در این مجالس اشخاصی که روحیه انقلابی داشته و هم روشنفکران، محصلین، جوانان و تحول طلبان اشتراک می نمودند.

آقای فضیلت با موضع گیری اسلامی و انقلابی خود توانست که به زود ترین فرصت در حلقه های روشن فکری و محصلین پوهنتون کابل نفوذ خوبی پیدا کند.

موصوف مسائل اجتماعی، سیاسی و انقلابی و درد های اجتماع و زحمت کشان را از طریق بلند گو های تکایا منعکس می ساخت تا مردم روحیه آزادی خواهی را بیاموزند»^۱

فضیلت انسانی بود ساده زیست و ساده پوش و می کوشید در زندگی شان از کم ترین امکانات بهره گیرد و با تجمل گرایی مبارزه می نمود. اما داستان بزرگواری و خضوع و خشوع وی چیزی نبود که از دید کسی مخفی بماند، او نه تنها در محیط با دوستان و بستگان، بلکه در همه جا و در بر خورد با همه کس این خلق و خویش را از خود بروز می داد و هیچ گاه تکبر از وی دیده نشده بود و همیشه با مردم برخورد نهایت مؤدب می کرد.

شهید فضیلت یکی از مبلغان و سخنگویان پر مسئولیت اجتماع خویش بود که در برابر مظالم و مفساد اجتماعی لحظه هم سکوت نکرد، وی از جمله مردان آزاده و انقلابی بود که عمر خویش را در راه مبارزه سپری نمود و سر انجام بعد کودتای فاجعه بار ثور ۱۳۵۷ به چنگ قصابان رژیم و دستگاه اگسا افتاد.

آقای سید حسن رشاد می نویسد: «در همین اثنا بود که معروف شاه خان {از مامورین سابقه استخبارات دوران سلطنت و جمهوری داود خان} خطاب به من گفت آغا صاحب روزی در همین نقطه شاهد یک قضیه بودم که تا امروز قلب مرا می آزارد و شروع کرد که قصه چنین بود، در همان شبان و روزانی که غایله امین سفاک عرصه زندگی را بر مردم تنگ و تنگتر ساخته بودند و از مردم انتقام کشی داشتند روزی گروهی موعظ گرفتاری مولوی محمد یوسف بینش سابق وکیل دوره دوازده شورا معلم ادبیات مکتب نجات دو فرزندش و حلقه نزدیک او که آقای فضیلت معلم ادبیات مکتب نجات هم جز آن حلقه بود که ایشان نه کدام حزب سیاسی داشتند و نه کدام گروهی صرف از طریق منبر و تکیه خانه در روشن ساختن ذهن جوانان نقش بارزی داشتند خلاصه گروپ بعد گرفتاری این آقایان را در نظارت خانه جهت سپردن به موعظین آورده و زیر همین درخت نشسته بودند که سر و کله اسد الله سروری ربیب عمومی اگسا پیدا شد در حالی که یک ماثیندار هتلر کوخ جرمنی بدست داشت و آن را با کلک می چرخانید و خاص دیدن همین گروپ قدم رنجه کرده بود، که بعد گرفتن راپور گرفتاری از آمر گروپ با وقاحت تمام روبه این حلقه ی افتاده در دام کرد و نهره زد در بین تان آغای ردالت کدام است، که از بین حلقه جوان متواضع که چین کهنه زرد رنگ به تن و دستار سیاه به سر داشت ایستاد و گفت: «من تو را نه می شناسم هر کی هستی باش و اگر آقای فضیلت منظورت است منم و اگر آغای ردالت را می خواهی در وجود خود جستجو کن»، در این وقت بود که سروری مغرور چون گفتار تیز دندان به او حمله کرد و با آن کلکان خرس مانندش و سر مست از شراب ناب گلوی آقای فضیلت را تا او حد فشار داد که از چشم و دماغش خون جاری شد و در دم جان به جان آفرین تسلیم کرد و سروری گویا پیروز مندانه محل را ترک کرد و به آمر نظارت خانه دستور دفن او را صادر کرد و رفت که چنان شد.»^۲

شهید فضیلت ازدواج نموده بودند، ثمره ازدواج شان شش فرزند است، دخترانش: شهلا محبوب فضیلت فارغ فاکولته زمین شناسی پوهنتون کابل، هما میری فضیلت فارغ فاکولته زمین شناسی، زهره میری فضیلت فارغ فاکولته زراعت، مهوش فضیلت فارغ التحصیل فاکولته زمین شناسی و طیبه میری فضیلت فارغ صنف دوازدهم و پسرش بنام سید تقی فضیلت فارغ فاکولته علوم اجتماعی پوهنتون کابل می باشند.

پایان

۱ - امان کبیری.

۲ - سید حسن رشاد فیس بوک ۲۶ جون ۲۰۱۵